

مجلات منطقه ما: عصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

# شهرار محلات

شماره روزنامه شهر آرا: ۳۹۹۰  
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۹ / سه شنبه / ۱۹ آذر ۹۸  
۸ صفحه

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از [SHAHRARANEWS.IR](http://SHAHRARANEWS.IR)

فعالیت مرکز پالایش آلاینده های زیست محیط شهری به روایت مدیر آن

## تنفس سخت

در هفته ای که گذشت هوای شهر آلوده بود و بادی نمی وزید تا ما را از آنچه که خودمان به وجدش آوردیم، نجات دهد. در فهرست آلوده ترین محلات شهر در بیشتر اوقات نام ۳ محله نخریسی، چمن و طرق همواره به چشم می آمد. تا اینکه بالاخره با نزول رحمت الهی تا زمانی که دوباره هوا را خاکستری کنیم پاک شد...

چشم به راهی یک مادر پس از ۳۶ سال انتظار همچنان ادامه دارد

## یک مزار خالی، یک قاب عکس

به منزل شهید محسن ضمیری می رویم و نزد انیس آقا نوری، مادر این شهید ۱۵ ساله، می نشینیم تا روایت فرزند شهیدش را از زبان او بشنویم. داستان شیر مردی که برای حفاظت از خاک میهن کارش را رها می کند، خانواده اش را به خدا می سپارد و راهی پیکار با دشمن یعنی می شود...

در گفت و گو با مدیر گذر فرهنگ و هنر مطرح شد

## وعده تداوم فعالیت هنرمندان

برای اطلاع از نحوه فعالیت گذر فرهنگ و هنر به سراغ صادق امیرآبادی، مدیر این گذر، می رویم و با او درباره نحوه اختصاص پیدا کردن این طبقه از مجتمع تجاری به هنرمندان و چگونگی واگذاری غرفه ها به گفت و گو می نشینیم. امیرآبادی در ابتدا از علت اختصاص این طبقه از مجتمع به هنرمندان می گوید...



زندگی در زاویه، جایی که  
تخدیر جای سلامت را می گیرد

## خرابه های خماری!



## اولین گذر فرهنگ و هنر در مشهد افتتاح شد فرصتی برای خلاقها

اما از زمانی که افتتاح شد شرایط تغییر کرد و اینجا در حال رونق گرفتن است. هنرمند جوان مشهدی با اشاره به موقعیت این گذر می‌افزاید: اینجا فرصتی در اختیار هنرمندان قرار داده شده که برای آن موقعیت‌سنجی انجام شده است، شهرداری نیز هر کاری از دستش برآمده برای معرفی اینجا به شهر و نندگان و زائران انجام داده است که اگر خود ما می‌خواستیم انجام دهیم هرگز نمی‌توانستیم حتی یک بنر در شهر نصب کنیم. در واقع باید بگویم شرایط برای ما فراهم شده است و حالا همه چیز به خود هنرمندان برمی‌گردد که در این مکان حضور فعال داشته باشند.

### ● از تولید به عرضه!

هر غرفه از جذابیت خاصی برخوردار است، در میان اجناس یک غرفه ممکن است با کشتی فانتری روبه‌رو شوید و در یک غرفه می‌توانید گوش به نواز دلنواز سنتور یکی از استادان موسیقی مشهد بدهید. هر غرفه جذابیت خودش را دارد و شما را شگفت‌زده خواهد کرد به ویژه که وسایل کار بیشتر آن‌ها در همان محل است و حتی شما می‌توانید از هنرمندان بخواهید هنر خود را به شما نیز بیاموزند. به غرفه‌ای می‌رویم که به گفته صاحبش تنها تولیدی تابلوهای شنی در مشهد با تصاویر

نقاشی بیش از دیگر قسمت‌های بازار به چشم می‌آیند و پس از آن سفال‌گری، موسیقی، گلیم بافی، چرم‌دوزی، پوشاک، زیورآلات، معرق کاری و... خودنمایی می‌کند.

### ● هنرمندان بی سرپناه

راهی یکی از اولین غرفه‌ها می‌شویم که با بوی خوش عود به استقبال مشتریان رفته است. اجناس این غرفه همگی برای ما جذاب هستند و برخی ما را به دوران کودکی نیز می‌برد. البته این غرفه زمانی برای ما جذاب‌تر می‌شود که متوجه می‌شویم بسیاری از وسایل آن را افراد بی سرپناه می‌سازند.

سبحانی‌نیا، هنرمند صاحب این غرفه، از سابقه فعالیت خود بیان می‌دارد: من و همسر تا پیش از این به‌طور ثابت در یک مکان مستقر نبودیم و بیشتر در نمایشگاه‌ها و فضاهایی که شهرداری مشهد در اختیار ما قرار می‌داد حضور پیدا می‌کردیم که البته اگر آن‌ها نبودند ما دلسرد می‌شدیم و این کار را رها می‌کردیم. تازه زمانی که اینجا را به ما پیشنهاد کردند و شرایطش را گفتند که خیلی خوش حال شدیم و ما جزو اولین افرادی بودیم که از ۲ ماه پیش به اینجا آمدیم و مستقر شدیم. البته در ابتدا اینجا رونق خاصی نداشت و ما فروش خاصی نداشتیم

گذر فرهنگ و هنر شهر مشهد در خیابان شهید حنائی، مجتمع تجاری آسمان ۲ در مساحتی بالغ بر ۲ هزار و ۵۰۰ متر مربع با ۷۰ غرفه و یک نگارخانه با حضور وزیر ارشاد و شهردار مشهد به‌طور رسمی آغاز به کار کرد.

خبری که هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر را در مشهد خوش حال کرد البته بسیاری با توجه به سابقه مجتمع‌های تجاری در مشهد و اینکه قراردادی که بسته شده است به مدت یک سال می‌باشد نگران هستند که این گذر نیز به‌سرانجام دچار شود.

طبقه مثبت دو مجتمع آسمان ۲ برای یک سال به صورت رایگان در اختیار هنرمندان قرار گرفت تا آن‌ها بتوانند آثار خود را در آن عرضه کنند. با ورود به طبقه مثبت تفاوت چشمگیر این طبقه با دیگر مجتمع‌های تجاری به چشم ما و مخاطبان می‌آید. اینجا خبری از دکورهای شلوغ و مانکن‌های متفاوت نیست. غرفه‌ها با شکل خاصی بدون الگو برداشتن از یکدیگر رنگ و رو گرفته‌اند. غرفه‌های



سعید جلائیان  
خبرنگار شهر آرا محله

می‌توان برای معرفی این مکان به مردم در میدان ۱۷ شهریور یک نماد یا تابلو قرار داد

## سفیر سلامت

### حرف اول



سیده خدیجه سیدی نانی  
کارشناس مرکز بهداشت  
شماره ۵ مشهد

۱۴ آذر روز داوطلبان سلامت بود. روزی که در تقویم هم مغفول مانده است. مراکز خدمات جامع سلامت ما در منطقه پذیرای جذب سفیران سلامت خانوار و محله است. همه ما می‌توانیم یک سفیر سلامت باشیم. این مطلب برای آشنایی هر چه بیشتر و آگاهی از وظایف سفیران سلامت که می‌توانند نقش مهمی در حوزه سلامت ایفا کنند، نوشته شده است. سفیر سلامت عضوی از اعضای یک خانوار است که حداقل ۸ کلاس سواد خواندن و نوشتن دارد و به‌صورت داوطلبانه مسئولیت انتقال مطالب آموخته شده در حوزه سلامت و مراقبت فعال از سلامت خود و اعضای خانواده و جامعه را بر عهده دارد.

### ● سفیر سلامت افتخاری

فردی است که علاوه بر خانوار خود، چند خانوار بدون سفیر سلامت را تحت پوشش قرار می‌دهد.

سفیر سلامت محله:

داوطلبان سلامت در واقع زنانی هستند که به‌صورت خودجوش با علاقه‌مندی یا به‌عرصه سلامت گذاشته‌اند و با فعالیت‌های اجتماعی خیرخواهانه هم‌گام با کادر سلامت به ارائه خدمات بهداشتی در شهر و روستا اقدام می‌کنند. داوطلبان سلامت ضمن گذراندن دوره‌های آموزشی و کارشناسان حوزه سلامت، اطلاعات روز را در اختیار خانواده خود و عموم مردم قرار می‌دهند. خدمات داوطلبان سلامت (سفیران سلامت محله) از جمله خدماتی است که افراد خیراندیش بدون هیچ توقع مادی برای رشد و بهبود زندگی سالم دیگران تلاش می‌کنند و فعالیت این عزیزان چشم‌انداز خاصی از مشارکت‌های مردمی است.

### ● خودمراقبتی فردی

شامل اعمالی است اکتسابی، آگاهانه و هدفدار که فرد برای خود، فرزندان و خانواده‌اش انجام می‌دهد تا سالم بماند، از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی خود و خانواده خود حفاظت کند، نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی خود و آن‌ها را برآورده‌سازد، از بیماری‌ها یا حوادث پیشگیری کند، بیماری‌های مزمن خود و خانواده خود را مدیریت کند و نیز از سلامت خود و خانواده‌اش بعد از ابتلا به بیماری حاد یا ترخیص از بیمارستان، حفاظت کند.

وظایف سفیران سلامت به شرح زیر است:

۱. گذراندن دوره‌های آموزشی کتاب خودمراقبتی، زیج خودمراقبتی و دیگر بسته‌های آموزشی مورد نیاز
۲. تکمیل زیج خودمراقبتی برای ارزیابی سبک زندگی خود و اعضای خانواده و برنامه‌ریزی فردی برای خودمراقبتی
۳. گذراندن دوره‌های آموزشی بیماری‌های مزمن برای خود و اعضای خانواده (برحسب اطلاعات پرونده سلامت خانوار)
۴. انتقال آموزش‌های خودمراقبتی (کسب شده از سوی کارشناس مراقب سلامت) به اعضای خانواده
۵. کنترل ناخوشی‌های جزئی و بیماری‌های مزمن خود و اعضای خانواده
۶. مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های بهداشتی گروهی و جمعی
۷. عضویت در گروه/گروه‌های خودیار، تشکلهای مردمی حامی سلامت و شوراهای محلی، استانداری و فرمانداری
۸. ایفای نقش به‌عنوان سفیر سلامت افتخاری، برای خانوارهایی که سفیر سلامت ندارند.
۹. تشکیل و تکمیل پرونده سامانه سینا خود و خانواده

## شروع يك تعهد

سنوات گذشته در روز میلاد امام حسن عسکری (ع) جشن با شکوهی با حضور حجت‌الاسلام مروی، تولیت آستان قدس رضوی، آیت‌... مرورید و جمعی دیگر از روحانیون برجسته شهر مشهد برگزار شد که در آن ۸ طلبه این مدرسه ملیس به لباس روحانیت شدند. مسئول فرهنگی تبلیغی مدرسه علمیه حضرت بقیه ... ادامه داد: تا سال ۸۵ که این مدرسه بازسازی شد طلاب سطح یک مشغول به کسب علم بودند اما پس از بازسازی انجام شده طلاب سطح ۲ و ۳ در اینجا مشغول به تحصیل هستند و اکنون بیش از ۱۱۰ طلبه در این ۲ سطح در اینجا مشغول به تحصیل هستند.

مدرسه علمیه بقیه ... که از سال ۱۳۶۵ در خیابان امام رضا ۱۸ تأسیس شد بیش از ۲۰ سال است که در روز میلاد امام حسن عسکری (ع) به برگزاری جشنی با حضور مسئولان شهری و علمای برجسته اقدام می‌کند. از ۴ سال پیش رسم عمامه‌گذاری طلاب این مدرسه به جشن میلاد افزوده شده است. سید جواد موسوی، مسئول فرهنگی تبلیغی مدرسه علمیه حضرت بقیه ...، در گفت‌وگو با شهرآرامحله بیان کرد: طبق



بخشنده



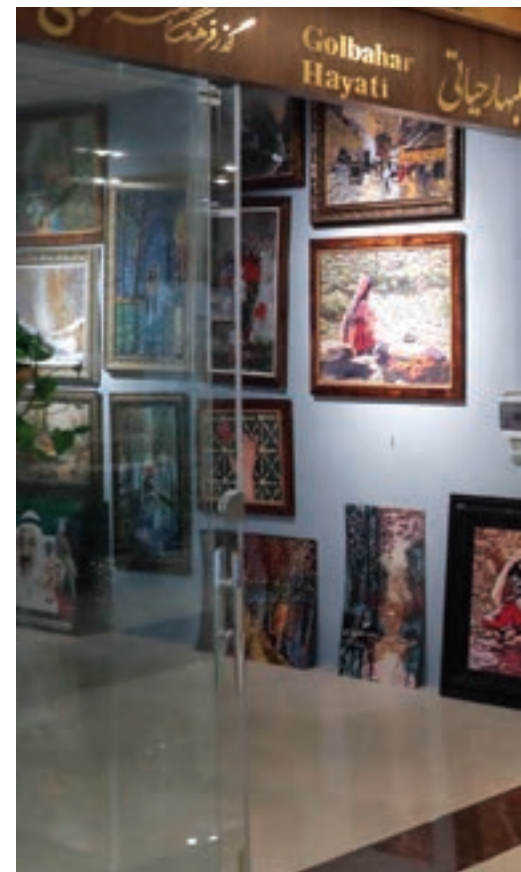
شبه‌روزی کارکنان واحد حفاظت فیزیکی منطقه ۷ خطاب به آن‌ها بیان کرد: شما به عنوان چشم بینا، گوش شنوا و بازوی توانمند ما هستید و نقش تأثیرگذار و مهمی در پیشگیری از آسیب‌ها و حراست از منطقه دارید. در پایان این مراسم با اهدای لوح تقدیر از کارکنان واحد حفاظت فیزیکی منطقه تقدیر شد. ■

برای اولین بار در شهرداری مشهد مراسم تجلیل از کارکنان واحد حفاظت فیزیکی منطقه ۷ با حضور شهردار منطقه، مسئول حراست و کارکنان حفاظت فیزیکی برگزار شد. در این مراسم کوروش باوندی، شهردار منطقه، ضمن تقدیر از تلاش‌ها و زحمات



در گفت‌وگو با مدیر گذر فرهنگ و هنر مطرح شد

## وعده تداوم فعالیت هنرمندان



سفارشی مشتریان است. کارگاه این غرفه در همان جا قرار دارد و شما می‌توانید با چشمان خود ببینید چگونه با دقت خاصی این تابلوهای شنی با ماسه‌های دریا و مواد خاص ساخته می‌شود.

صاحب این غرفه پیشنهادی نیز برای رونق بخشیدن به این گذر دارد و می‌گوید: به نظر من می‌توان برای معرفی این مکان به مردم در میدان ۱۷ شهر یوریک نماد یا تابلو قرار داد تا این مکان بیشتر به شهر و ندان معرفی شود. خود هنرمندان این مجتمع حاضر به همکاری و ساخت آن خواهند بود اگر مجوز این کار صادر شود.

در بین تمام هنرمندان هستند افرادی که به مسائلی همچون اختصاص نگارخانه به هنرمندان خاص و تنها نقاشی گله دارند و اینکه چرا برخی از آن‌ها کسبه هر زمان که می‌خواهند غرفه خود را باز می‌کنند.

یکی از هنرمندان با گلایه از نحوه کار نگارخانه می‌گوید: از یک هنرمند ۶ تابلو در نگارخانه قرار گرفته است و از من هیچ تابلویی نیست. تابلوهای من نه از لحاظ کیفیت ضعیف هستند و نه مشکلی از لحاظ محتوایی دارند اما به دلیل سلیقه مسئولان انتخاب نمی‌شوند.

دومین گلایه این هنرمند به بسته بودن همسایگانش است. او می‌افزاید: در این مدت که بازار شروع به کار کرده من تنها یک بار در مغازه ام رادیر باز کردم همان روز نیز برایم برکه‌ها خطرناک آمده است که چرا در باز کردم در صورتی که بسیاری از همسایگان من از ظهر به بعد تازه می‌آیند و کسی کاری به آن‌ها ندارد. ■

فروش غرفه‌ها بودیم و پس از همکاری سازمان‌های دیگر نظیر شهرداری و اختصاص بیلبوردهای شهری اینجا تا حدودی در حال معرفی به شهر و ندان است و ما به مرور شاهد حضور بیشتر شهر و ندان هستیم. البته با افتتاح تونل اتصال بین ۲ مجتمع آسمان که به زودی از سوی شهرداری انجام می‌شود، امید داریم به رونق اینجا افزوده شود. هر چند که ما برنامه‌های دیگری نیز برای آینده داریم و به نوعی تازه کار ما شروع شده است. ما قصد داریم با دعوت از مسئولان و هنرمندان کشور به اینجا در معرفی بیشتر اینجا به شهر و ندان گام برداریم و افزون بر این برنامه‌های دیگری نیز نظیر دعوت از دانشگاه‌ها در دستور کار داریم.

### نگارخانه‌ای برای هنرمندان شهر

مدیر گذر فرهنگ و هنر در باره نگارخانه این مجموعه اظهار می‌دارد: فضای در مساحت ۱۳۰ متر مربع به نگارخانه اختصاص پیدا کرده است که در حال دریافت مجوز برای فعالیت آن هستیم. ما قصد داریم در این نگارخانه آثار تمام هنرمندان اینجا را به نمایش بگذاریم و تنها این فضا را به آثار نقاشان اختصاص نمی‌دهیم. افزون بر این ما با تعاملی که با دانشگاه‌های هنر داریم می‌خواهیم در نگارخانه کلاس‌هایی برگزار کنیم و آثار هنر جوانان را برای نمایش قرار دهیم. امیرآبادی به بسته بودن برخی از غرفه‌ها نیز اشاره می‌کند و می‌افزاید: زمان انعقاد قرارداد و واگذاری غرفه‌ها یکی از شرایط دایر بودن مغازه‌هاست و نباید برای هنرمندان باز بودن کم اهمیت باشد. ما در حال رصد غرفه‌ها هستیم و دوستانی که در این باره کم کاری می‌کنند طبق مفاد قرارداد باید تخلیه کنند و افراد دیگری جایگزین آن‌ها خواهند شد و این مشکل نیز حل خواهد شد. ■

### امید به تداوم بازار هنرمندان

امیرآبادی در پاسخ به اینکه آیا این گذر پس از یک سال تداوم خواهد داشت یا خیر؟ بیان می‌دارد: توافق اولیه وزارت ارشاد با گروه سر مایه گذاری آسمان قراردادی برای مدت یک سال است اما از آنجایی که تمام غرفه‌های این طبقه مختص به مالک اصلی مجتمع است و نگاه مالک کسب در آمد نیست و او می‌خواهد اینجا را به عنوان یک مرکز هنری به شهر معرفی کند. مالک در مراسم افتتاح بیان کرد در صورت استقبال هنرمندان اختصاص این محل به هنرمندان تداوم خواهد داشت. وی همکاری هنرمندان با یکدیگر را برای خلق آثار مشترک دستاورد دیگر این بازار دانست و ادامه می‌دهد: تاکنون هنرمندان رشته‌های مختلف هیچ گاه در این چنین مکانی در کنار یکدیگر نبودند. حضور آن‌ها در کنار هم باعث یک سری دستاوردها و خلق آثار زیبایی هنری شده است به طوری که ما محصولات را می‌بینیم که چندین هنرمند داخل آن به کار رفته است. به عنوان مثال در حوزه پوشاک دکمه‌های مورد نیاز یکی از مؤسسه‌هایی که در حوزه مد و لباس فعال است، یکی از هنرمندان اینجا می‌سازد و طرح‌های روی لباس‌ها را نیز هنرمند دیگری طراحی می‌کند.

### تلاش برای رونق بازار

با انبوه مجتمع‌های تجاری که در میدان ۱۷ شهر یوریک ایجاد شده است این نگرانی احساس می‌شود که بازار هنرمندان آن چنان رونقی پیدا نکند و از آن استقبالی نشود. امیرآبادی خبر از برنامه‌هایی می‌دهد که برای رونق بخشیدن به این بازار برنامه‌ریزی شده است، او می‌گوید: با افتتاح رسمی این گذر از سوی وزیر و شهردار مشهد شاهد تغییر در

برای اطلاع از نحوه فعالیت گذر فرهنگ و هنر به سراغ صادق امیرآبادی، مدیر این گذر، می‌رویم و با او درباره نحوه اختصاص پیدا کردن این طبقه از مجتمع تجاری به هنرمندان و چگونگی واگذاری غرفه‌ها به گفت‌وگو می‌نشینیم. امیرآبادی در ابتدا از علت اختصاص این طبقه از مجتمع به هنرمندان می‌گوید: طرح گذر فرهنگ و هنر یک پروژه ملی است که پیش از مشهد در چند شهر دیگر کشور از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است. در مشهد نیز انتخاب ۱۷ شهر یوریک به این دلیل بود که اینجا شهر و ندان و زائران زیادی برای خرید مراجعه می‌کنند و این می‌تواند فرصت خوبی برای هنرمندان باشد تا محصولاتشان را ارائه دهند. مدیر گذر فرهنگ و هنر در باره چگونگی واگذاری غرفه‌ها به هنرمندان اظهار می‌دارد: تعدادی هنرمند از طرف وزارت ارشاد به ما معرفی شده بودند و غرفه‌ها به آن‌ها اختصاص پیدا کرد اما برای بیشتر غرفه‌های ما به دلیل اینکه قصد پر کردن غرفه‌ها را تنها نداشتیم فراخوان عمومی ندادیم. ما به درصد هنرمندان در فضای مجازی پرداختیم و پس از یک ماه با رعایت برخی از ملزومات همچون اختصاص تعداد غرفه‌ها به یک هنرمند و صنف خاص ۷۰ غرفه را به ۲۳ رشته هنری به مدت یک سال رایگان واگذار کردیم. البته اکنون هنرمندان زیادی در انتظار هستند تا در صورتی که غرفه‌ای در اینجا خالی شود بتوانند جایگزین شوند که البته این یعنی مشهد ظرفیت بازار دیگری را برای هنرمندان دارد.





## زندگی در زاو تخدیر جای سلا

# خرابه‌ها

### گل دفتر

### ۵۶

سپیده نعیمه زینبی  
دبیر شهرآرا محله

نادانستن ما بر تصورمان از دنیا یا منطبق باشد. ما می‌گذرد. از دور آدم‌های مستأصل و آوارگی! از نزد

یا شاید خیلی بهتر از ما. اگر خود نپینیم آن‌ها فقط آدم‌های نیازمند گیر افتاده‌اند و باید یکی دست از منجلابی که در آن فرو افتاده‌اند همراهی ماست با کسانی که خود دست قضا تقدیریشان را به این س ناجی دیگران باشند. در این مست مأمّن کسانی می‌برد که در گوشه د تسلسل دارند.

نمی‌تواند انگیزه ترک‌رادر معتاد قوی کند. او برادرش را مثال می‌زند. کسی که زن و بچه و زندگی اش را روی مواد گذاشته ولی دست از آن نمی‌کشد. مردی که تنها یک جای خواب در خانه پدری برایش مانده است ولی باز هم به خود نیامده است. می‌گوید: «این زخمی است که باید تازه بماند. مدام حواسم هست تا حالا که آب زیر پوستم رفته است از ماجراهایی که داشتم فراموش نکنم.»

### ● میان باغ بی برگ!

در فروشگاه داوود، اعظم منتظر است. زنی که خودش آواره خیابان هاست و می‌خواهد ما را به مقرهای کارتن خوابی منطقه ببرد. زنی که گرسنگی او را به ستوه آورده است تا به زبان بیاورد که گرسنه‌ام. هوای سرد و بارانی او را به لرز انداخته است. غذا را به سرعت می‌گیرد و قاشق به قاشقش را تند تند و نجویده قورت می‌دهد. در پارک و کارتن خوابی داشتن یک پرس غذای تمیز و گرم آرزوی می‌شود. به انتهای خیابان شهید ریاضی می‌رویم. جایی که باغ‌ها و کوه تنها میزبانان ما هستند. اعظم می‌گوید: «من باغ را بلدم.» انگار گاهی گذر خودش به آنجا افتاده تا از شر خماری برهد. غذاها را بر می‌داریم و پشت سر اعظم به راه می‌افتیم. از کنار سرنگ‌هایی که معلوم نیست با چه هدفی کنار جاده ریخته شده است می‌گذریم. از کنار زباله‌ها، درختان خشک و بی باری که انگار بود نشان هیچ هدفی ندارد جز مخفی کردن کسانی که راه به جایی نمی‌برند. از اینجا که ما هستیم منطقه مسکونی فاصله زیادی با ما ندارد. فاصله بچه‌ها و شیطنت هایشان با معتادانی که میان خماری و جرت هایشان زندگی را دود می‌کنند آن قدر کم است که هر آن ممکن است یکی از بچه‌ها به این سمت بیاید و آن‌ها را ببیند. شاید برای اهالی محله دیدن آن‌ها عادی شده است دیگر. از یاخور باریکی که میان درختان باز شده نشان رفت و آمد معلوم است. گل‌های لگد کوب دیگر به کفش هایمان نمی‌چسبد که آزارمان بدهد. بیشتر هولناکی فضا است که ما را مرعوب خویش می‌کند. یک سکوت ممتد در میان جایی که می‌دانی کسانی در حال مصرف هستند.

### ● ما ۴ نفر هستیم!

به اتاق کوچکی میان باغ می‌رسیم که یک در فلزی قرمز رنگ بدون شیشه. اعظم جلوتر می‌رود و زیر لب گاهی ترانه‌ای زمزمه می‌کند. سوت می‌زند و محمد نامی را بلند صدا می‌زند: «محمد، آهای کسی اینجا هست؟» سگی به سمت ما پارس می‌کند. معلوم است که به یکی از پاتوق‌ها نزدیک می‌شویم. پسری از میان شیشه‌های ریخته چهاردیواری آجری از میان میله‌ها به ما سلام می‌کند: «رفیقم رفته چیزی بگیرد در را از آن طرف قفل کرده است.» قفلی بزرگ روی در آویخته شده که مانع از ورود ما به درون اتاق است. رفیقش برای تهیه جنس رفته است. اعظم پیش می‌رود و از دیگر پاتوق‌ها می‌پرسد. صدایش میان فضای خالی اتاق می‌پیچد. راست یا دروغش معلوم نیست ولی برای ۴ نفر از لابه‌لای میله‌ها غذا می‌دهیم. ما هر غذا یک دعوت‌نامه

### ● خودرو ولیان را خریدم

عاکف جزو کسانی است که پیش از این بیمار اعتیاد بوده‌اند و حالا به دنبال کسانی است که در این دام گرفتار هستند. در یک خانواده مرفه و مذهبی بوده است. همراه ۵ برادر و ۲ خواهر. خودش معتقد است زیاد خواهی او را به سمت مواد کشانده است. می‌گوید: «زمانی که بچه بودم هر روز در مسیری می‌ایستادم تا آقای ولیان با خودرویی که شبیه کشتی بود از جلوم رد شود. وقتی انقلاب شد آن خودرو را خریدم. آن موقع پول دو تا خانه را دادم تا آن خودرو مال من باشد.» اعتیاد همه سرمایه را از او می‌گیرد. شش ماهه آخر اعتیادش نوع موادش را عوض می‌کند. روزی که خماری است و تریاک پیدا نمی‌کند جایش کراک مصرف می‌کند. یک بار مصرف مصادف می‌شود با اعتیادی که هنوز از آن با تأسف یاد می‌کند. دوران پاکی خودش می‌شود: ۱۳ سال و ۷ ماه و ۲۱ روز. او هنوز روال پاکی اش را رها نکرده است و در جلسه‌هایی که دارند شرکت می‌کند. می‌گوید: «این جلسه‌ها فقط برای پاکی از مواد نیست بلکه برای شناخت خود و پاکی روح است تا یاد بگیریم چطور یک معتاد می‌تواند به یک معتاد دیگر کمک کند.»

### ● اعتیاد آدم را منزوی می‌کند

در ۱۸ ماهگی پاکی اش یک خواب باعث می‌شود که به سمت کمک به کارتن خواب‌ها کشیده شود. آن موقع به مشهد می‌آید و در خیابان مجلسی با یک کارتن خواب آشنا می‌شود که خودش خانه‌ای بزرگ دارد. اینکه کسی با وجود داشتن سرپناه باز هم به کارتن خوابی رو بیاورد برایمان عجیب است. عاکف می‌گوید: «اعتیاد آدم را منزوی می‌کند. اعتیاد همه چیز را می‌گیرد و تورا آواره گوشه خیابان می‌کند ولی باز هم رهایت نمی‌کند. ما الان سعی می‌کنیم به اندازه خودمان کمک کنیم.» او می‌داند هیچ کس در قبال کسی که اعتیاد او را به کارتن خوابی کشانده است مسئولیتی نمی‌پذیرد و در قبال کسانی که به او می‌گویند حالا که پاک شده‌ای به زندگی خودت بچسب، می‌گوید: «چه کسی باید به فکر این آدم‌ها باشد؟» او نمی‌خواهد آدم‌هایی که جنس دردشان را می‌شناسد رها کند و به سراغ روزمرگی اش برود. حالا تعداد کسانی که با مدد او راه ترک را پیش گرفته و در مسیر پاکی قرار گرفته‌اند، حدود ۱۰ هزار نفر است، کسانی که بعضی هایشان الان حدود ۳۵۰ نفر زیر دستشان کار می‌کنند. قرار است ما را پیش کسی ببرد که پیش از این به پایان خطر رسیده و از انتهای خط به زندگی بازگشته است.

### ● عاشق کارتن خواب‌ها هستم

می‌گوید: «من عاشق کارتن خواب‌ها هستم. این آدم‌های بزرگی هستند که مسیرشان را گم کرده‌اند. باهوش هستند ولی باید خودشان را پیدا کنند.» عاکف آداب و ترتیبی برای این مسیر قائل نیست. از آغوش کشیدن کارتن خواب‌ها هراسی ندارد. حتی پیش آمده که کارتن خوابی را از بیمارستان بیرون بکنند ولی او به سراغش برود تا کمکش کند. او پزشک‌هایی را که در مسیر رهایی از اعتیاد کمک حال معتادان هستند رد نمی‌کند ولی معتقد است: «کاری که بادل انجام می‌شود کجا و کاری که بابت گرفتن حق و یزیت انجام می‌شود کجا؟ پزشکان جسم را درست می‌کنند ولی با روح و روان چه می‌کنند؟» آنچه او با گروهش سعی می‌کنند از کنار آن ساده‌نگذرنده همین است که با محبت و گفتار درمانی افراد را جذب کنند.

### ● آب کله‌پاچه توزیع می‌کردیم

همین که به مردی در خیابان خلیج می‌رسیم که تا کمر در سطل زباله خم شده است پای عاکف بی اختیار روی ترمز می‌رود و می‌ایستد. یک پرس غذای گرم با یک آدرس و شماره به او می‌دهند. با تعجب می‌پرسیم: «این‌ها سواد ندارند؟» عاکف می‌گوید: «ما میان این کارتن خواب‌ها کسانی را داریم که پزشک، لیسانس یا فوق لیسانس هستند. مهندسی سیالات خوانده‌اند.» افرادی که از او آن‌ها را به خود می‌خواند تا از جامعه گریزان شوند. شبیه آن پسر بهشهری که در مشهد کارتن خوابی می‌کند و با گروه عاکف آشنا می‌شود و ترک می‌کند. وقتی بعد از مدت‌ها با خانه‌شان تماس می‌گیرد تازه می‌فهمد ۳ سال است که پدرش فوت کرده است. او الان به کمک گروه ازدواج کرده است و زندگی عادی دارد: «ما از یک قابلمه کوچک شروع کردیم و حالا به اینجا رسیده‌ایم. چند تا کله‌پزی بود که آب کله‌پاچه را مجانی به ما می‌دادند. ما همان‌ها را میان این افراد تقسیم می‌کردیم. الان همه پاتوق‌ها من را می‌شناسند.»

### ● تا به عجز نرسی ترک نمی‌کنی

به سراغ داوود می‌رویم که در یکی از خیابان‌های سیدی خوار و بار فروشی دارد. او یکی از کسانی است که با کمک عاکف مسیر ترک را پیش گرفته و توانسته خودش را از منجلابی که می‌توانست او را به تباهی محض بکشاند بیرون بیاورد. او ۹ سال و ۲ ماه و ۵ روز پاکی از مواد دارد. حدود یک سالی هم هست که سیگار را ترک کرده است. اعتراف می‌کند که ترک سیگار برایش خیلی سخت‌تر از مواد بوده است. می‌گوید: «من آبرویم را گذاشتم پای مواد. زن من با یک مرد سالم ازدواج کرده بود نه یک معتاد. دخترم سه سالش بود که مواد زندگی‌ام را به تباهی کشاندم.»

وقتی همسرش تصمیم می‌گیرد که از او جدا شود با عاکف آشنا می‌شود و دوباره به مسیر پاکی باز می‌گردد. او می‌گوید: «اگر پولی را به تو بدهم می‌خواهی. اگر مجاله کنم، زیر پایم بگذارم، لهش کنم باز هم آن را می‌خواهی. چون این پول ارزش خودش را از دست نداده است. من فهمیدم اگر اعتیاد مرا زیر پا انداخت و لهم کرد هنوز ارزش انسانی‌ام سر جایش است. من آدم بدی نبودم ولی در این مسیر افتادم.»

او چند باری ترک می‌کند ولی دوباره به مواد باز می‌گردد تا اینکه با عاکف آشنا می‌شود. عاکف از سرگذشتی که بر خودش رفته برای او تعریف می‌کند. یک گفت‌وگوی کوتاه او را به فکر و امی دارد تا پس از ۳ ماه به دنبال ترک بیفتد. او معتقد است که تا به عجز درونی نرسی هیچ عامل بیرونی



پیش از آنکه به دنبال ماجراهایی که در خلوت‌ترین گوشه‌های شهر انتظارمان را می‌کشند، رهسپار شویم، به آشپزخانه‌ای رفته‌ایم که به مدد خیران برای کارتن‌خواب‌ها غذایم پزد. گزارش این آشپزخانه پیش از این با عنوان «دیگ گرم برای آدم‌های سرد» در شماره ۳۴۱ تاریخ اول مرداد ۹۸ در شهر آرا محله به چاپ رسیده است. این بار داستان

سفر کوتاه ما به دل اتفاقات خفته شهر است همراه با چند نفر از بهبود یافتگان. جایی که آن‌ها به سراغ غذاهای گرم می‌آیند تا در بسته‌بندی و توزیع آن کمک کنند. یک قیمه رنگ و رو باز خوش عطر که بویش را به مشامت تحمیل می‌کند با ته‌دیگ زعفرانی در انتظار است که به مقصد برسد و شکم گرسنه بی‌پناهی را سیر کند. ■

## ویه، جایی که دلت را می‌گیرد

# بی‌خماری!

دانیایی‌مان درباره آن‌ها چیره است. نشان خیلی نمی‌تواند با واقعیت دوریم از آن‌ها و آنچه در عمق ماجرا آن‌ها خطرناک هستند و از نزدیک می‌که ناچارند به خماری و گرسنگی یک کسانی هستند شبیه به ما بی‌آدم‌ها را به لباس و ظاهرشان کمی هستند که در چاه ناچاری اه‌حل به دستشان بدهد و آن‌ها را نجات دهد. این ماجرای یک روز شان گرفتاری را تجربه کرده‌اند و گو‌کشانده است که حالا خودشان بی‌یکی از کارتن‌خواب‌ها ما را به ننج اعتیادشان گیر افتاده‌اند و دور

### ● مأمورید؟

برای ترک است و چند شماره اصدای سوت اعظم که فریاد می‌زند: «بیا کارت دارم» باعث نمی‌شود معتاد دیگری که لابه‌لای درختان پنهان شده خودش را به ما نشان بدهد. او به همین راحتی اعتماد نمی‌کند که به ما نزدیک شود. همان طور که خودش را از نگاه زندگی مخفی کرده از برگشت به مسیر سلامت هم گریزان است.

### ● دعا کنید سالم شوم

این صحنه‌ها دیگر از پشت قاب تلویزیون نیست. جوانک کم سن و سال که معلوم نیست ۲۲ دارد یا نه می‌گوید: «دعا کنید منم سالم شوم. چهار پنج روزه می‌شود پاک شد؟» انگار هر وقت کسی به سراغشان می‌آید تلنگری به آن‌ها می‌خورد و به خلاصی فکر می‌کنند ولی کورسوی امیدشان آن قدر قوت ندارد که آن‌ها را نجات بدهد. اعظم به یکی‌شان می‌گوید «تورا من که می‌شناسم نکش. آقا جان نکش.» دیگری می‌گوید: «عکس بگیر. مارا همین جوری همه معتادها می‌شناسند.» دنیای کوچک آن‌ها خلاصه شده به معتادان و ساقی‌ها! معنادار بودن ارتباط میان آن‌ها به همان خرید و فروش‌هایی است که وقت خماری اگر پول باشد به راحتی و اگر نباشد به فلاکت اتفاق می‌افتد. پول که باشد حتی معتادها هم آقایی می‌کنند. سرشان را بالا می‌گیرند. پول را کف دست ساقی می‌گذارند و چند گرم وابستگی‌شان را می‌خرند تا خود را بسازند. برای آن‌ها که جاندارند همین پناه‌هایی که اگر چه شیک و گرم نیستند ولی امن هستند پاتوق می‌شود. عاکف کنار سید نشسته است و دارد از زندگی خودش می‌گوید. از تمام آن چیزهایی که مواد دود کرده و به هوا فرستاده است. عاکف چهره به چهره به پاکی دعوت می‌کند و برای هر کدام یک گوشه از روایت شخصی خودش را پهن می‌کند. امید دارد



که شاید آن‌ها هم به آن عجز رسیده باشند و فقط نیاز داشته باشند کسی دستشان را بگیرد. سید یکی از همین‌هاست. از یکی می‌پرسم: «چی مصرف می‌کنی؟ چند سال است؟» پدرش شهید شده و مادرش فوت شده است. می‌گوید: «تنهایی مرا به سمت مواد کشاند. همه کس من مادرم بود که وقتی رفت همه چیز را رها کردم.» او خانه‌ای ندارد که بخواهد سقف امنش روی سرش باشد. گاهی خانه این رفیق است و گاهی خانه رفیقی دیگر. گاهی باید خرج موادشان را بدهد و گاهی پول شب‌خوابی‌اش را. اما گاهی هم جایی را ندارد و تنها پناهش همین سقف کوتاه سوخته است. می‌پرسم: «مواد که از تنهایی نجات نداد؟ داد؟» به خودش نگاه می‌کند که دل خوش کرده به چند گرم مواد و یک زوررق میان کسانی که دغدغه‌شان نشنگی‌شان است و می‌گوید: «تنها ترم کرد.»

### ● کاری کن مادرم ترک کند!

دیگر بحالت برایشان معنایی ندارد. اگر چه ممکن است نگرانی حضور ما از حالشان بکاهد: «کارتن خوابیم دیگر. زن و بچه داریم ولی افتاده‌ایم به کارتن خوابی. مگر کارتن خوابی چه هست؟» در دایره چهار نفره‌شان عباس می‌گوید: «من متولد ۷۵ هستم.» همکاری خوبی در مصرف دارند. یکی زوررق را می‌گیرد و دیگری فنلک را تا آن یکی دیگر دود را سیر بکشد. دودی که او را از دنیای درد و خماری‌رها می‌کند و به نشنگی می‌رساند. می‌گوید: «من این قدر خوشگل بودم. ولی الان مواد لاغرم کرده است. رفته توی پاچه‌ام و هر کار می‌کنم نمی‌توانم کنار بگذارم. خماری بدی دارد آبیچی. هوا گرم ولی تو می‌لرزی. انگار سرما به جانت می‌افتد. باز یک دفعه عرق می‌کنی!» یواشکی مرا کنار می‌کشد. جوری که بقیه موادکش‌های محل نفهمند و درددل می‌کنند: «بین آبیچی مادرم را نجات بده. او گناه دارد. اگر او ترک کند من هم ترک می‌کنم. بیا با او صحبت کن. تو که زبان گرمی داری شاید بتوانی رضای اش کنی تا مواد را کنار بگذارد.»

لحنتش به لابه‌لای آلوده می‌شود تا یک قراری بگذارد و مادرش را راضی به ترک کند. آن قدر چهره معصوم و دهان گرمی دارد که فکر نمی‌کنی مواد فروش محلشان باشد. آدم فکر می‌کند که مواد فروش باید سیمای خشنی داشته باشد. دو تپله رنگی مهر بان میان چشم‌مانش با موهایی بور که غصه مواد مادرش را بیشتر از خودش می‌کشد: «توی خانه می‌گذارند بکشم ولی من اینجا فروشنده‌ام هم می‌کنم. جنس منطقه رامن می‌دهم.» یکی‌شان می‌خندد و عباس به او اخم می‌کند: «می‌خندی... شوخی نمی‌کنم. حالی که اینجا دور هم می‌کشیم خانه نمی‌دهد. اینجا می‌آیم و نمی‌گذارم بچه‌محل خمیازه خماری بکشد.»

### ● برای چی ندارد آبیچی!

همان جور که خودشان را می‌سازند پاسخ من را هم حاضر می‌کنند. عباس ادعای می‌کند خیلی سعی کرده تا ترک کند و دیگری می‌گوید: «سعی نکردی.» تراکت‌هایی که شماره عاکف و دیگران رویش نوشته شده هنوز خوانده نشده تبدیل به لول‌هایی می‌شود که با کمک آن دود را به درون سینه خود می‌برند. خنده‌دار و گریه‌آور است. یک وضعیت غیر انسانی غیر معمول برای آدم‌هایی که می‌توانستند یک روزگار معمولی را بگذرانند. در پاسخ «چرا می‌کنی» یکی‌شان معلولیت شوهر خاله‌اش را بهانه می‌کند و دیگری ناچاری را! اما هیچ کدامشان نمی‌دانند چرا مواد را به عنوان آخرین راه برگزیده‌اند طنابی که آن‌ها را به آسمان نمی‌برد بلکه به قعر بدبختی می‌کشاند: «خریت است دیگر. برای چی دارد آبیچی!» جوابی است که دیگر جای سؤال نمی‌گذارد. خودشان هم می‌دانند کارشان به کجای می‌کشد اما از آن دست نمی‌کشند. دیگری ۱۲ سال است مصرف می‌کند و حالا سر بساط نشسته است. می‌گوید فوق‌دیپلم دارد. لاغر و رنگ پریده است. زن و بچه هم دارد. اگر چه پولی که در می‌آورد نصیب آن‌ها نمی‌شود و خرج موادش می‌شود. یکی دیگرشان تازه از زندان آزاد شده و به دنبال متادون می‌گردد. اما به جایش کریستال می‌خرد و حالا پای بساط قاطی بقیه رفقا پش شده است. او پول تنها دارایی‌اش را هم خرج کریستال کرده است و حالا آه در بساط ندارد. دیگری وسط دودهایی که بالا می‌کشد نمی‌تواند نفسش را راحت کند. با صدایی که از ته حنجره‌اش به زور خودش را به لب‌هایش می‌رساند، می‌گوید: «تازه فلان جا هم پر است!» هر چه نباشد آدرس ساقی‌ها و پاتوق‌ها را که باید بدانند. یکی‌شان به شوخی می‌گوید: «بعضی‌ها هم کریس را می‌خورند.» که عباس مانعش می‌شود: «دروغ نگو، نمی‌خورند!»

### ● معتاد شدم اما بی‌غیرت نه!

میان این کارتن‌خواب‌ها و موادی‌ها چهره‌اش هنوز خط و خش‌های اعتیاد را ندارد. چشمان سبز و درشت و مژه‌های بلند. صورت کشیده و پوست روشن. حضور ما ناآرامش کرده است. برخلاف بقیه که انگار نه انگار ما هستیم و مشغول مواد کشیدن‌شان هستند او نمی‌نشیند. موادش را می‌گیرد و می‌خواهد برود. از او چند سؤال می‌پرسم که پاسخ درستی نمی‌دهد. انگار غیرتش اجازه نمی‌دهد بخواهد این حرم خصوصی را برای ما معیان کند. عصبانی می‌شود و می‌گوید: «اگر شما نمی‌روید من بروم.» بالاخره صدایم می‌زند و انگار با خودش کنار آمده است، می‌گوید: «چه می‌خواهی بدانی؟» از زندگی‌اش می‌گوید. از زن و بچه‌اش که دلش برایشان لک‌زده است. از اینکه لباس نظام می‌پوشیده و به دلیل بی‌نظمی اخراجش کرده‌اند. از آوارگی و خانه‌بهدوشی. اولین بار که دست به وسایل خانه می‌برد تا خرج موادش را بدهد، زن و بچه‌اش را به روستا می‌فرستد: «هنوز آن قدر بی‌غیرت نشده‌ام. می‌ترسم. مواد کاری با آدم می‌کند که از زنت به دلیل مواد بگذری. زنم دختر پاکی است. دلم نمی‌خواهد او را آلوده کنم» علاقه زیاد او به همسرش که حالا اشک را به چشم‌انش دعوت کرده باعث شده تا با التماس او را به خانه پدرش بفرستد. زن هنوز دل‌به‌شوهر دارد و گاهی زنگ می‌زند و احوالش را جویای می‌شود و می‌خواهد برگردد. ماجرای غریبی است. مرد عاشق معتادی که به دلیل ترس از بی‌آبرویی و بی‌غیرتی بانوی خانه‌اش را از منجلاهی که خودش گرفتار است، نجات می‌دهد! مرد بیغض دارد و گریه می‌کند ولی چه کند که حالا این گوشه سرد گرفتار چند گرم مواد است. از پاتوق‌های کارتن‌خوابی بیرون می‌آیم. تنها پرسشی که ذهنم را درگیر می‌کند این است: چه کسی مسئول است؟ مدت‌ها بعد از آن هم میان آن پاتوق‌ها هستیم و نگران سید، مادر عباس، عباس و... ■



چشم به راهی یک مادر پس از ۳۶ سال انتظار همچنان ادامه دارد

## يك مزار خالی، يك قاب عكس

هم محلی

اعزام می شدند در حاشیه شهرک ابوذر رفتیم. در آخرین لحظات او روی من را بوسید و از من اجازه خواست تا بروم. به او گفتم برو پسرم خدا پشت و پناحت باشد. این آخرین دیدار من با فرزندم محسن شد.

### ● در جست و جوی محسن

پس از ۲۰ روز رفتن محسن به جنگ، او در عملیات خیبر شرکت می کند و دیگر کسی از محسن خبری ندارد. دوستانش بدون او به مشهد باز می گردند. مادر برای شنیدن خبری از محسن به منزل دوستان و هم‌رزمانش می رود و از پرسش می پرسد اما آن‌ها می گویند از زمانی که سوار قایق شده و به شط رفته اند، دیگر محسن را ندیده اند.

مادر می گوید: «ما همچنان بی خبر بودیم تا اینکه از بنیاد شهید چمدان و وسایل پسرم را برابیم آوردند.»

به دلیل نبود پیکر شهید و اینکه کسی شهادتش را ندیده است، خانواده ضمیری به جست و جوی یافتن فرزندشان ادامه می دهند.

مادر شهید از جست و جوها و نتایج آن برای یافتن فرزندش می گوید: «به بنیاد شهید رفتیم آنجا تصاویری از اسرا به ما نشان دادند. در یک عکس محسن را شناسایی کردیم. به آن‌ها گفتیم که او محسن است. آن‌ها تحقیقاتی کردند و گفتند به احتمال زیاد درست می گوئیم و تصویر متعلق به خود اوست.»

اما نمی دانم چه اتفاقی افتاد که پس از ۳ سال پسرم را شهید مفقود الاثر اعلام کردند. البته هیچ سندی از شهادتش به ما ارائه ندادند و در آخر نیز که تمام مفقودان را شهید اعلام کردند و قبوری برای او یا بهتر بگویم به یاد او درست کردند.»

### ● میعادگاه یک مادر

یک قبر خالی و تصویری که از محسن ضمیری روی آن نقش بسته به مکانی تبدیل شده است که مادر شهید هر زمان که دلش هوای پسرش را می کند به آنجا می رود و با محسن سخن می گوید. مادر شهید در انتها با اشاره به مزار خالی پسرش می افزاید: «پس از ایجاد قبر برای محسن، هر زمان دلم می گیرد بر سر مزار خالی اش در بهشت رضا می روم و آنجا با خدا و محسن سخن می گویم.»

من آنجا به خالقم اظهار می دارم خداوند! خودت پسرم را دادی و خودت او را از من گرفتی، من هیچ اعتراضی ندارم چرا که او در بهترین راه از پیش من رفت. به محسن نیز می گویم پسرم اگر زنده هستی خداوند پشت و پناحت باشد اما اگر شهید شدی خدا رحمت کند. البته هر چند با اینکه ۳۶ سال از رفتن محسن گذشته من همچنان چشم به در خانه دارم تا او باز گردد. ■■

به منزل شهید محسن ضمیری می رویم و نزد انیس آقا نوری، مادر این شهید ۱۵ ساله، می نشینیم تا روایت فرزند شهیدش را از زبان او بشنویم.

داستان شیر مردی که برای حفاظت از خاک میهن کارش را رها می کند، خانواده اش را به خدا می سپارد و راهی پیکار با دشمن بعضی می شود. پیکر این شهید هرگز به کاشانه بازنگشته است

و مادر این شهید همچنان پس از ۳۶ سال چشم به در خانه اش دوخته است تا پسرش را ببیند که پیش او باز می گردد.

پدر شهید ضمیری در سال ۵۹ از زمان کار از پشت بام سقوط می کند و از کار افتاده می شود. این باعث می شود که محسن ۱۳ ساله مدرسه را رها کند و به کسب روزی برای خانواده خود مشغول به کار بنایی شود. ۳ سال از روزی که محسن مشغول کار شده است، می گذرد و دوستانش را یک به یک می بیند که لباس رزم بر تن می کنند و راهی جبهه می شوند. شهید ضمیری نیز دیگر طاقت نمی آورد و با اینکه نان آور خانه بود با کسب رخصت از آن‌ها راهی جبهه می شود.

۵۸

سیده نعیمه زینبی

### ● آخرین خبر

دومین روز اسفند سال ۱۳۶۲ عملیاتی مشترک از طرف سپاه و ارتش آغاز می شود که پس از ۲۰ روز نبرد شدید رزمندگان کشورمان می توانند به جزیره مجنون در کشور عراق تسلط پیدا کنند. آخرین باری که هم‌رزمان شهید محسن ضمیری او را دیده اند در زمان همین عملیات بوده و پس از آن مفقود شده است.

مادر شهید از اولین باری که پسرش می خواهد اجازه رفتن بگیرد، می گوید: پسرم اولین بار که گفت می خواهد به جبهه برود از او خواستم نرود که پاسخ داد اگر من نروم شما دیگر در آسایش نخواهید بود. من باید به خاطر شما و کشورم بروم. می گفت دشمن به درون خاک ما می آید و ما دیگر آرامش نخواهیم داشت. می گفتم تو بروی چه کسی خرج خانه را می دهد؟ او پاسخ می داد «خدا بزرگ است. روزی رسان خداست.»

هر جور شده بگذرانید تا من بیایم.»  
مادر فرزندش را ۲ بار بدرقه می کند. اولین بار برای آموزشی که محسن به بجنورد می رود و پس از ۳ ماه باز می گردد. دومین بار اما آخرین قرار مادر با پسر ارشدش در روزی است که همراه او به محل اعزام نیروها می رود.

او از خاطرات آخرین قرار بیان می دارد: «پسرم از آموزشی که بازگشت تنها ۱۲ روز نزد ما ماند و پس از آن لباس رزم بر تن کرد و عزم رفتن نمود. همراه او به محلی که رزمندگان به جبهه



هر زمان دلم  
می گیرد به سر  
مزار خالی اش  
در بهشت رضا  
می روم و  
آنجا با خدا و  
محسن سخن  
می گویم



کارشناس تربیت بدنی شهرداری منطقه در گفت‌وگو با شهردار آرمحله خبر از آغاز تعمیرات در زمین‌های روباز ورزشی منطقه داد. جواد کریمی گفت: با اعتباری بالغ بر ۴۵ میلیون تومان کار بازسازی تعدادی از زمین‌های ورزشی منطقه آغاز شده است که این اعتبار صرف تعمیر فانس‌ها، افزایش

نور، آسفالت و خرید تجهیزات برای زمین‌های ورزشی روباز می‌شود. کارشناس تربیت بدنی منطقه ادامه داد: ما ۱۳ زمین ورزشی روباز داریم که زمین چمن مصنوعی با قدرت، زمین ورزشی بینالود در ایوان طرف، زمین ورزشی تفتان خیابان سبحان و ورزشی تعاون قائم ۳۰ زمین ورزشی بوستان قائم در اولویت ما هستند.

## فعالیت مرکز پالایش آلاینده‌های زیست محیط شهری به روایت مدیر آن

# تنفس سخت

در محله

۰۹

جلائیان

در هفته‌ای که گذشت هوای شهر آلوده بود و بادی نمی‌وزید تا ما را از آنچه که خودمان به وجدش آوردیم، نجات دهد. در فهرست آلوده‌ترین محلات شهر در بیشتر اوقات نام ۳ محله نخریسی، چمن و طرق همواره به چشم می‌آید. تا اینکه بالاخره با نزول رحمت الهی تا زمانی که دوباره هوا را خاکستری کنیم پاک شد. برای اطلاع از چگونگی شرایط هوای منطقه و اطلاع از فعالیت اداره محیط زیست، سلامت و ایمنی و خدمات شهری شهرداری مشهد به محل این ساختمان در خیابان چمن می‌رویم و با رضا اسماعیلی، مدیر مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد که از سال ۹۲ مسئول این بخش است به گفت‌وگو می‌پردازیم.



داریم که همراه با افسر راهور در معابر شهر تردد می‌کنند. این خودروها با خودروهایی که دودزا هستند برخورد می‌کنند و به آن‌ها فرصتی ۱۵ روزه می‌دهند که به رفع نقص اقدام کنند مگر نه جریمه و سپس به مراجع قضایی ارجاع خواهند شد.

### ● کمربند میانی آلودگی هوای مشهد

هفته‌گذشته نام ۳ محله نخریسی، چمن و طرق به عنوان محلات آلوده شهر در بیشتر روزها و به عنوان محلات آلوده در سایت مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد قرار داشت. اسماعیلی درباره شرایط آلودگی در این محلات اظهار می‌دارد: برای اطلاع از آلودگی هوا در یک محله باید به میانگین ماهانه و سالیانه آن توجه کنیم و سپس ترافیک، جمعیت، میزان فعالیت‌های عمرانی و الگوهای گردش هوا را بررسی کنیم. اینکه ما با توجه به آمار یک هفته بگویم در یک محله آلودگی هوا بیش از محلات دیگر برجسته است آنچنان علمی نیست. وی می‌افزاید: من تحقیقاتی انجام دادم و در بازه زمانی ۵ ساله وضعیت آلودگی هوای مشهد را بررسی و تحلیل آماری کردم. در شهر ما می‌توانیم ۳ بخش را جدا کنیم که منطقه ۷ به نوعی در کمربند میانی قرار دارد. آلودگی‌اش نسبت به غرب مشهد بیشتر و از شرق و جنوب شرقی کمتر است.

### ● از شایعه تا واقعیت

مسئول امور پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری ضمن رد شایعات بیان می‌کند: برخی به ما می‌گویند غباری در آسمان نمی‌بینیم و شما به دروغ هوا را آلوده اعلام می‌کنید و... مطالب این چنینی را به صورت مداوم می‌شنویم اما در پاسخ به آن‌ها باید بگویم آلودگی هوا و گازها را با چشم نمی‌توان دید. در بحث آلودگی هوا شاخصه‌هایی همچون غلظت و تداوم آلودگی مطرح است و با توجه به این موارد دستگاه‌های مربوطه مدارس را تعطیل می‌کنند تا از مشکلات ناشی از شرایط هوا اکتفا شود. وی می‌افزاید: مایکی از بهترین شبکه‌های پایش هوای کشور را اختیار داریم و اطلاعات هوای شهر هر یک ساعت رصد، تحلیل و به روزرسانی می‌شود. من با تعهد علمی که دارم می‌گویم از سال ۹۲ که در این اداره بودم هرگز چنین اتفاقی که آمار به دروغ مطرح شود رخ نداده است و تمام آمار دقیق و درست به مسئولان و شهروندان اطلاع‌رسانی شده است.

مدیر مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد که از آغاز به کار این بخش در آن حضور داشته است درباره به وجود آمدن این مرکز می‌گوید: سال ۹۲ شهرداری مشهد به بحث آلاینده‌های زیست محیطی شهری ورود می‌کند و به اعضای تفاهم‌نامه‌ای با سازمان حفاظت از محیط زیست مبنی بر ایجاد مرکزی برای پایش آلاینده‌ها در شهر مشهد اقدام می‌کند. البته این مرکز پیش از این در شهر تهران شکل گرفته بود اما متأسفانه از این توافق توفیق خاصی حاصل نشده بود اما در مشهد پس از اعضای تفاهم‌نامه مرکزی ایجاد شد تا کار رصد، اندازه‌گیری آلاینده‌ها، جمع‌آوری اطلاعات و اطلاع‌رسانی را انجام دهد.

وی می‌افزاید: شهرداری مشهد با ایجاد دفتر و خرید تجهیزات همچون فناوری اطلاعات، سنجش صدا، الکترو مغناطیس، امواج، خروجی گازهای خودروها و... در این راستا اقدامات خوبی انجام داد. نتیجه اقدامات انجام شده این است که مسئولان استان و مدیران شهری از اطلاعات ما برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های خود بهره‌مندی دارند و مرکز پایش توانسته این اعتمادسازی را انجام دهد و گزارش‌های یکپارچه صادر کند. همچنین ما با اداره هوا و سازه‌های مختلفی همچون اداره کل هواشناسی، بخش‌های مختلف شهرداری مشهد و در کل با ۱۶ سازمان به صورت مستقیم و غیر مستقیم ارتباط داریم و با یکدیگر مشورت می‌کنیم.

### ● ایستگاه‌های سنجش آلاینده‌های هوا

در مشهد ۲۳ ایستگاه سنجش کیفیت هوا ایجاد شده است که کار اصلی آن سنجش آلاینده‌های موجود در محیطی است که در آن قرار گرفته است. اسماعیلی با اشاره به این ایستگاه‌ها می‌گوید: سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲ ایستگاه سنجش آلاینده‌ها را در مشهد دارد و ۱۰ ایستگاه نیز شهرداری احداث کرده و یک ایستگاه نیز متعلق به اداره هواشناسی است. با توجه به این امکانات می‌توان گفت در کشور ما دارای بهترین شرایط سخت افزاری هستیم. وی با اشاره به ۲ بخش دیگر در اداره محیط زیست، سلامت و ایمنی و خدمات شهری ادامه می‌دهد: علاوه بر بخش پایش در این اداره ۲ بخش دیگر وجود دارد که بخش نخست مربوط به گشت‌های آلاینده‌ای هستند. ما خودروهای تجهیز شده به دستگاه‌های سنجش آلاینده‌های

V

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۹ / سه شنبه / ۱۹ آذر ۹۸

آی خبر

۱۰

اولین نشست شوراهای اجتماعی محلات قائم، ابودر و کوی کارگران با دستور جلسات طرح محله ما

## گام دوم طرح محله ما

جلائیان- اولین نشست شورای اجتماعی محله قائم و شهرک ابودر در دوره جدید با حضور اکثریت اعضای این شورا با دستورکار بررسی و تشریح پروژه محله ما با حضور سرپرست و کارشناسان این طرح برگزار شد. در ابتدای این نشست هادی دهقانی، کارشناس فرهنگی شهرداری منطقه، ضمن تبریک به اعضای منتخب شورای اجتماعی این محله بیان کرد: اولین نشست شورای اجتماعی را با کارشناسان پروژه محله ما برگزار می‌کنیم تا افزون بر معرفی این طرح به شما که منتخبان این محله هستید، مسئولان این طرح از هم فکری با شما بهره ببرند. دبیر جلسه ادامه داد: طبق مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد اعتباری تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان برای هر محله به این پروژه اختصاص پیدا کرد و تنها شرط اجرایش نظر اکثریت اهالی آن محله است که بگویند خواستار چه چیزی در محله خود هستند. دهقانی افزود: در گام نخست ۴ محله منطقه شامل این پروژه شدند و این طرح در آن محلات در حال اجراست. گام دوم این پروژه ۶ محله منطقه ۷ راشامل می‌شود که خوشبختانه محله قائم یکی از آن‌هاست و گروهی دانشگاهی به این محله اعزام شدند تا از شهروندان نظرخواهی کنند که تمایل دارند چه پروژه عمرانی در محله آن‌ها انجام شود.

### ● آغاز نظرخواهی از شهروندان در محله قائم

در ادامه این نشست جواد احدی، سرپرست اجرای پروژه طرح محله ما در محله قائم، خطاب به اعضای شورای اجتماعی گفت: در ابتدای کار ما خواستار ارائه این طرح به اعضای شورای اجتماعی شدیم که بر آمده از رأی اهالی این محله هستند و پس از این جلسه ما به زودی اقدامات خود را با آمدن به مساجد و محله برای نظرخواهی از شهروندان آغاز خواهیم کرد. مادر کوچه و خیابان با شهروندان سخن خواهیم گفت و نظر آن‌ها را از طریق توزیع پرسش‌نامه، نصب بنر و... نیز جویا خواهیم شد و پس از مشورت با شهرداری منطقه طرح آن را آماده خواهیم کرد.

در ادامه این نشست اعضای شورای اجتماعی محله قائم ضمن معرفی خود و سابقه فعالیتشان به بیان پیشنهادها و نظرخواهی خود برای معرفی این طرح به شهروندان و اجرای این طرح در گوشه و کنار این محله سخن گفتند.

### ● هم‌اندیشی منتخبان شهرک ابودر با کارشناسان محله ما

پس از شورای اجتماعی محله قائم نوبت به شهرک ابودر رسید که اعضای شورای اجتماعی آن در اولین نشست خود میزبان تیم دانشگاهی پروژه محله ما باشند.

صبا محمودی، سرپرست گروه طرح محله ما در این شهرک، ضمن معرفی خود و سابقه اجرایی تیمش در این طرح خطاب به اعضای شورای اجتماعی بیان کرد: در گام نخست این پروژه ما مسئول محله کوی کارگران بودیم که تجربه خوبی از همکاری با شهرداری منطقه داشتیم و به همین دلیل تمایل داشتیم در گام دوم نیز با شهرداری این منطقه همکاری داشته باشیم به همین دلیل با وجود دوری راه این محله را انتخاب کردیم.

محمودی با نمایش تصاویر اجرای این طرح در کوی کارگران ادامه داد: ما در کوی کارگران با همکاری شهروندان و اعضای شورای اجتماعی توانستیم خیلی زود به نظر شهروندان دست پیدا کنیم و طبق نظر شهروندان این محله ما ۲ طرح برای ۲ بوستان این محله با اعتبار ۲۰۰ میلیون تومان و دیگری یک صد میلیون تومان دادیم که کار عملیاتی آن به زودی آغاز می‌شود.

### ● آمادگی محله کوی کارگران برای نزولات آسمانی

شورای اجتماعی کوی کارگران سومین محله بود که اعضای آن با حضور در ساختمان شهرداری منطقه اولین جلسه خود را تشکیل دادند. حامد قربانی در این نشست ضمن معرفی ساختار و وظایف شورای اجتماعی محلات گفت: با توجه به آغاز فصل بارش نزولات آسمانی در این نشست از محسن غفاریان، معاون خدمات شهری منطقه، دعوت کردیم تا با ارائه گزارشی از اقدامات و آمادگی این اداره برای فصل زمستان و راه‌های ارتباط اعضای شورای اجتماعی با خدمات شهری سخن بگوید.

در ادامه این نشست محسن غفاریان با ارائه تصاویری از اقدامات و فعالیت‌های اداره خدمات شهری در منطقه گفت: اداره خدمات شهری منطقه آمادگی کامل برای بارش نزولات آسمانی و فصل زمستان دارد اما با توجه به وسعت منطقه و محدودیت ما به همکاری شهروندان به ویژه در معابر فرعی نیاز داریم. در انتهای این نشست اعضای شورای اجتماعی به معرفی و سابقه فعالیت‌های خود پرداختند.



آخرین خبر



۱۱

آغاز ساخت بوستان در خیابان امام رضا ۷۰

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۷ خبر از آغاز ساخت بوستان خطی به مساحت ۴ هزار مترمربع در خیابان امام رضا ۷۰ داد.

مهدی طیبی در گفت و گو با شهرآرامحله گفت: با توجه به درخواست شهروندان از شهرداری منطقه و کمبود فضای سبز در این محدوده اداره فضای سبز با مشارکت اداره فنی عمران منطقه به اجرای مرحله دوم بوستان خطی در خیابان امام رضا ۷۰ اقدام کرد. وی ادامه داد: مرحله اول این بوستان در ضلع مقابل آن در سال گذشته انجام شد و امسال نیز با اعتباری بالغ بر ۷۵۰ میلیون تومان اجرای مرحله دوم در ابتدای این هفته آغاز شده است و تا پایان سال این بوستان به بهره برداری خواهد رسید. رئیس اداره فضای سبز منطقه با اشاره به موقعیت مکانی محل افزود: به دلیل موقعیت خیابان امام رضا ۷۰ در این بوستان خطی پوشش پایدار گیاهی درخت و درختچه کاشته خواهد شد و در آن مسیر سبزی دو چرخه نیز قرار خواهد گرفت.



۱۲

کنترل آنفلوانزا در منطقه ۷

مسئول واحد بیماری‌های مرکز بهداشت شماره ۵ در گفت و گو با شهرآرامحله از جزئی بودن سرایت آنفلوانزا در منطقه ۷ خبر داد.

سید محمد رزاقی در ابتدا با بر شمردن اقدامات مرکز بهداشت شماره ۵ برای کنترل آنفلوانزا گفت: ما جلسه‌هایی با مدیران آموزش و پرورش و شهرداری مناطق تحت پوشش مرکز برگزار کردیم و درباره اطلاع‌رسانی و اقدامات مورد نیاز که باید انجام شود با آنان به گفت و گو پرداختیم. افزون بر این در پایگاه‌ها، خانه‌های بهداشت و پایگاه مرزی فرودگاه به اطلاع‌رسانی به شهروندان اقدام کردیم و پس از آن به توزیع منابع و بروشور در مراکز بهداشت و آموزش کارکنان پایگاه‌های خود برای مواجهه با بیماران اقدام کردیم. علاوه بر این ما دارو و تجهیزات کافی برای رویارویی با این بیماری در اختیار داریم. وی افزود: ما از بیماران بستری شده در بیمارستان شهید کامیاب نمونه‌گیری کردیم و خوشبختانه پاسخ مثبتی پیدا نکردیم و با توجه به مراجعه‌کنندگانی که داریم می‌توانیم بگوییم این منطقه خوشبختانه تاکنون زیاد درگیر آنفلوانزا نشده است.



۱۳

خاموشی آب سردکن‌های منطقه تا پایان پاییز

رئیس اداره خدمات شهری منطقه خبر از خاموشی و قطع انشعاب آب سردکن‌ها و سقاخانه‌های منطقه تا پایان فصل زمستان داد.

مرتضی طهماسبی در گفت و گو با شهرآرامحله بیان کرد: با توجه به ورود هوا اداره خدمات شهری منطقه برای مالکان آب سردکن‌های مشارکتی منطقه درخواستی ارسال کرد تا آن‌ها نسبت به قطع برق و انشعاب آب آن اقدام کنند و ما نیز با پلاستیک و دیگر تجهیزاتی که در اختیار داریم روی آب سردکن‌ها تا پایان زمستان کاورکشی خواهیم کرد. رئیس اداره خدمات شهری منطقه ادامه داد: در منطقه ۶۰ آب سردکن مشارکتی داریم و ۷ سقاخانه نیز متعلق به شهرداری است که تا پایان فصل زمستان از کار خواهند افتاد. طهماسبی در انتها از علت خاموشی آب سردکن‌ها گفت: دلیل خاموشی آب سردکن‌ها جلوگیری از یخ زدن آب داخل آن‌هاست و به دنبال آن آسیب نرسیدن به تجهیزات این دستگاه‌ها و همچنین مسائلی بهداشتی که ما را ملزم به خاموشی آن‌ها تا پایان فصل زمستان می‌کند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

چراغ فرماندهی

لاکلی: در خیابان امام رضا ۶۸، چهارراه دوم، خیابان شهید کافی مدام تصادف رخ می‌دهد با توجه به تردد زیاد خودروها و تصادف‌های مکرر درخواست نصب چراغ فرماندهی داریم یا هر اقدامی که تصادف‌ها را کاهش دهد.

جوابیه ۱۲۷: نصب چراغ فرماندهی پس از بررسی فنی و دریافت تأییدیه از پلیس و تأمین بودجه انجام خواهد شد.

پاک‌سازی فضا

طالبیان: در خیابان کوشش ۷، نبش حاشیه، مالکی در حال تعمیرات داخلی است و تمام دوغ آب اضافی ساخت و ساز خود را اطراف درخت در آدرس مذکور ریخته است. با توجه به حجم زیاد که در بلند مدت باعث خشک شدن درخت خواهد شد، تقاضا داریم به ایشان اخطار داده شود.

جوابیه ۱۲۷: محل تا مورخ ۱۷/۹/۹۸ از طرف پیمانکار فضای سبز پاک‌سازی خواهد شد.

احداث فضای سبز

دلدار: در صبا غربی حداث ۱۸ و ۲۰- جنب کال درخواست احداث فضای سبز را داریم.

جوابیه ۱۲۷: احداث فضای سبز حاشیه کال اقبال در حال انجام است.



آدم از کار خسته نمی شود ولی از بیکاری چپرا...  
موقعیت: ۱۷ شهریور

۱۴  
داود بهگام  
شهرآرامحله